

قالب

درباره برنامه سینمایی «هفت»

به سینما سلام کن

رضا آژ

● بیش از یک‌سال از بخش سری دوم برنامه تلویزیونی «هفت» می‌گذرد؛ برنامه‌ای که به‌عنوان تنها برنامه تلویزیونی مختص پردازش مسایل و مشکلات سینمای ایران، جایگاهی ویژه دارد. روزی که این برنامه با اجرا و مدیریت فریدون جیرانی یا به عرصه تلویزیون گذاشت، بلافاصله مورد توجه قرار گرفت و البته همزمان با انتقادات فراوانی در چگونگی مدیریت و اجرا همراه شد. روال «هفت» جیرانی ادامه یافت تا پس از چندین برنامه جنجالی و طرح شدن حرفه‌ایی ناگفتنی و البته انتقادات تند جیرانی در یکی، دو برنامه، در نهایت با افزایش سیل انتقادات و با تصمیم مسئولان صداوسیما سکن برنامه به دست محمود گبرلو یکی از نویسندگان باتجربه و محافظه‌کار سینما سپرده شد. حضور گبرلو و تیم جدید «هفت» با داعیه تغییر رویکرد در برنامه و ایجاد آیت‌های جدید نشان از التهاب قرائر از تصور مخصوص این برنامه و لزوم بازنگری در ساختار و اهداف «هفت» داشت. چند قسمت اول با ساختاری مناسب و هوشمندانه و پرهیز از حاشیه‌پردازی به متن سینمای ایران بسیار موفق بود و علاقمندان و کارشناسان این حوزه را تا حد زیادی امیدوار کرد. اما مامعسل گبرلو و «هفت» خیلی زود تمام شد. چند قسمت که گذشت، کاستی‌های این برنامه به چشم آمد و موج تازماری از نقد و اعتراض را راه انداخت. شیوه اجرای برنامه، حضور منتقدان و کارشناسان تکراری، طرح مباحث کلیشه‌ای و مدمستی، امتناع از ورود مستقیم به مباحث چالشی و بحث‌انگیز، عدم وجود جسارت در طرح موضوعات و مسایل روز سینما و از همه مهم‌تر رویکرد محافظه‌کارانه در روند اجرا و انتخاب موضوعات اصلی برنامه سبب شد تا «هفت» به یک برنامه خسته‌کننده و بی‌روح بدل شود. «هفت» بفرغم شعارهای اولیه خود مبنی بر ایجاد تغییرات اساسی و رویکردی نو عملا تغییر مثبت چندانی نکرده است و به نظر می‌رسد رفتن جیرانی و حضور گبرلو بیشتر نوعی تعویض بی‌نتیجه از سوی سمرربی پشت پرده این برنامه باشد؛ سری جدید هفت را بیشتر با تعویض دوربین‌های تصویربرداری و تمرکز بر فیگورهای خاص مجری می‌شناسیم، گویی حفظ جلوه‌های بصری برنامه از اهمیت و ارجحیت بیشتری نسبت به محتوای برنامه قرار دارد. اجرای گاه جهت‌دار و یکسویه گبرلو و فقدان احاطه و تسلط لازم که باعث می‌شود او آشکارا از بحث‌های تدوین‌زد چالشی گریزان باشد، همچنین جو حاکم در برنامه با هدف تولید و پخش یک برنامه به‌طور از هر گونه چالش و هیاهو از زیبایی‌ها و جذابیت آن کاسته است. اما یکی دیگر از سبب‌های «هفت» پرداختن این برنامه فقط به آثار سینمایی بلند و عدم توجه به سایر اجزای هنر فیلمسازی است. در این برنامه هیچ‌گاه به آثار کوتاه و مستند یا فیلم‌های انیمیشن پرداخته نشده، درحالی که سینما محدود به فیلم‌های بلند و داستانی نیستا و ورود غیر کارشناسانه و حساب‌نشه به برخی مشکلات و حواشی پرونده‌های سینمایی نیز یکی دیگر از نقصان‌های این برنامه است و به اعتقاد برخی تهیه‌کنندگان موجب بروز اختلاف و التهاب میان سینماگران شده و آسیب جدی به رابطه‌ای کاری‌شان می‌زند. عدم دعوت از منتقدان قدیمی پیشکسوت و حرفه‌ای و نیز فقدان حضور کارشناسان و مدرسان سینما در کنار منتقدان جوان هم یکی دیگر از ضعف‌های اساسی این برنامه است. با اینکه سیاستگذاران برنامه تلاش کرده‌اند که در حرکتی نو یا دعوت از دو منتقد مخالف و موافق بر جذابیت برنامه بیفزایند اما تنوع در حضور و مشارکت برخی منتقدان کم‌تجربه و طرح مباحث تکراری سبب شده تا سطح نقد این آثار سینمایی در این برنامه کاهش یابد و در نتیجه موجب ریزش مخاطب در این آیتم شود. در این بخش گاهی اوقات به دلیل خروج از مباحث فنی و علمی نقد فیلم؛ عملا روند تخریب فیلم و فیلمساز رقم می‌خورد و همین نکته آسیب جدی به فیلم و گیشه فروش می‌زند.

البته باید از افزون بخش‌هایی مناسب مانند گزارش پشت صحنه و معرفی صنف‌های سینمایی به‌عنوان نقطه قوت سری جدید هفت یاد کرد. همین‌طور دوری عقلاانه و مذبذبه گبرلو از بحث‌های شخصی مهمانان و قطع سخنانی که سبب ضایع شدن حقوق اشخاص غایب در برنامه می‌شود نکته اخلاقی و خوشایند دیگری است که به‌خوبی توسط مجری برنامه هفت رعایت می‌شود. پوشش کامل اتفاقات سینمایی هم نکته قابل تحسین دیگری است که می‌توان از آن یاد کرد.

خبرسازان

«پرویز» مجوز نگرفت

● در حالی‌که به‌نظر می‌رسد صدور مجوز فیلم‌ها تغییراتی که در سازمان سینمایی به وجود آمده بیشتر شود؛ «پرویز» بهیز بزرگر نتوانست از خوان شورای پروانه نمایش بگذرد. ایستاد گزارش براساس شنیده‌ها نوشته است که این فیلم به دلیل نداشتن استانداردهای سینمایی نتوانسته مجوز نمایش دریافت کند. براساس این گزارش سیدضیاءالدین دری یکی از اعضای شورای پروانه نمایش با تایید ضمنی این خبر، از تایید قاطعانه آن اجتناب کرد. سعید آرمند، تهیه‌کننده این فیلم هم بیان کرده: فیلم «پرویز» یکسال قبل پروانه نمایشی دریافت کرد که یکسال هم اعتبار داشت اما این پروانه نمایش به منزله اجازه اکران در سینماها یا پخش در موسسات ویدیو رسانه نبود. از مدتی پیش پیگیر دریافت پروانه نمایش این فیلم در سینماهای کشور بودیم که متوجه شدیم در آنجا که پروانه ساخت فیلم ویدیویی بوده ابتدا باید در شورای بررسی‌های لازم صورت گیرد که آیا این فیلم ارزش دریافت پروانه سینمایی را دارد یا خیر؟

نامش «فخر النسا» است، زنی بی‌نام و نشان با تابعیت ترکیه -اردن که سال ۱۹۹۱ در گذشته، می‌گویند تنها هنرمند بانوی شرقی است که توانسته نامش را در جنبش هنر انتزاعی ثبت کند. عکس منتشرشده‌اش در کاتالوگ حراج پانزدهم «کریستیز» دوی، او را پالت به دست و زل‌زده به دوربین نشان می‌دهد. موسسه کریستیز با آرایه اثری از این بانوی هنرمند در حراج خاورمیانه خود، او را برای همگان آشنا کرد. حالا دیگر همه «فخرالنسا»ید، را می‌شناسند؛ از آن‌رو که در شب اول حراج کریستیز نقاشی‌اش به فروش ۲۷میلیون‌دلاری دست یافت. اثر این هنرمند با عنوان «شگفتن اتم و زندگی گیاهی» که سال ۱۹۶۲ در اوج دوران کاری او نقاشی شده، با برآورد سه تا چهار میلیون دلار عرضه شده بود؛ برآوردی غیرقابل تصور و قدری عجیب؛ برای اولین‌بار بود که اثری از یک هنرمند خاورمیانه با چنین برآوردی آرایه می‌شد. گویا «فخر النسا» آمده بود تا شامگاه ۲۹ اکتبر (هفتم آبان) به مصاف پرویز تناولی، مرد آشنای هنر ایران بنشیند. این زن با فروش بالای اثرش، اتفاقا پیروز میدان شد اما نتوانست رکورد ۲۸میلیون‌دلاری « تناولی» را که سال ۲۰۰۸ رقم خورده، بشکند. در این شب مجسمه «پرسپولیس ۲» تناولی با برآورد ۸۰۰ تا یکمیلیونو ۲۰۰هزاردلار، به مبلغ یکمیلیون‌دلار فروش رفت تا نام این هنرمند در ده دوم فروش پاییزه کریستیز دویی قرار گیرد. اینها البته گویای همه اتفاق کریستیز نیست؛ چراکه حراج پانزدهم، حراج اعداد و ارقام نبود. در این شب هنر ایران برای اولین‌بار شاهد قرار گرفتن بخش خصوصی و دولت در یک قالب بود. حضور علی مرادخانی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کنار مرتضی کاظمی، مشاور اقتصاد فرهنگ و هنر وزیر ارشاد در این حراج از همراهی دولت با بخش خصوصی در آوردگاه کریستیز حکایت داشت. در طی ۱۵ دوره برپایی این حراج، اولین‌بار است که مقامات دولتی در این سطح در این رویداد هنری حضور می‌یابند.

رقابت تناولی و فخر النسا

«آقایان و خانم‌ها، بدین ترتیب تابلوی فخرالنسا زید به مبلغ ۲۷میلیون‌دلار در پانزدهمین حراج کریستیز دویی فروخته شد، زمانی که یوسپی پیلکن، حراج‌گذار کریستیز از پشت پیشخوان این جله را بر زبان آورد، تکلیف این حراج به لحاظ رقم فروش برای حاضران مشخص شد. این تابلو، چهاردهمین اثر از مجموع «۲»ی بود که در شب اول آرایه شد. سیزدهمین اثر - از نظر ترتیب آرایه - به پرویز تناولی اختصاص داشت که به مبلغ یکمیلیون‌دلار فروش رفت. قبل از برپایی حراج نگاه‌ها عمدتا به این دو اثر برای ثبت رکورد بالا دوحته شده بود. موسسه کریستیز تصویر روی جلد کاتالوگ خود را به نقل‌شی

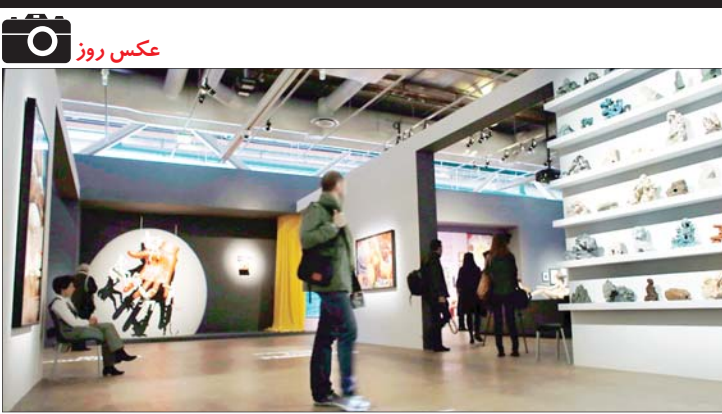
یادداشتی بر نمایش شایعات، نوشته نیل سایمون

خنده کردن آه‌آه؛ گریه کردن قاه‌قاه



حسین پارسایی
نویسنده و کارگردان تئاتر

«تا جوان بودم از خنده غافل بودم، بعدها که چشمانم بازتر شد و حقیقت را دیدم به خنده اقدام و هنوز همچنان می‌خندم (سور کی برنگور)»
واقعیت همین است، اکثر ما از خنده این نعمت معجزه‌آسا غافل هستیم، اما معدود نویسندگانی چون نیل سایمون کم‌دی‌نویس مشهور آمریکایی به واسطه آشنارش ما را به خنده وامی‌دارند؛ خنده‌ای که از لایه‌لای خستگی درون ما برمی‌خیزد و برای لحظاتی ما را از کار، زندگی و فعالیت‌های روزمره جدا می‌کند تا با پاک‌کردن پزک‌ها و رنگ و لعاب روزگار غدار، چشم در چشم هم حقیقت روابط انسانی و خانوادگی آدم‌ها را بی‌واسطه‌نظار کرده، چون آینه‌ای در مقابل هم به شگفتی برسیم. این کاری است که آثار نیل سایمون را با سایر نمایشنامه‌نویسان در زمینه کم‌دی یاطنز متمایز می‌کند؛ هنری که عدم تناسبات در عرصه‌های مختلف اجتماعی را که در ظاهر متناسب به نظر می‌رسند نشان می‌دهد یعنی به عبارتی کشف و بیان هنرمندانه و زیبایی‌شناختی یک موضوع با زبان طنز. نمایش شایعات یکی از نمونه‌های بارز این کشف و شهود در جامعه است که تماشاگران خود را در یک موقعیت کمدیک اما شگفت‌آور قرار می‌دهد؛ طنزی که روایای پیدا و پنهان آدم‌های جامعه خود را آشکار می‌کند و در حقیقت با پرداختن به روابط میان پدیده‌ها و معکوس کردن آن موقعیتی شاد و مفرح ایجاد کرده و به‌درستی نقد خود را بیان می‌کند تا جایی که در پس خنده و قهقهه هر تماشاگر درجه‌ای تازه در ذهن او باز می‌شود و مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی اثر تفکربرانگیز شده،



شرق: بیش از ۲۰۰ اثر از معروف‌ترین شاهکارهای هنرمندانی همچون آلبر تو جاکومتی، پابلو پیکاسو، سالوادور دالی، خوان میرو و... در نمایشگاهی با عنوان «سوزن‌بسم و ش» در مرکز مپیدو در پاریس به نمایش گذاشته شده است. این نمایشگاه که از امروز تا سوم مارس ۲۰۱۴ در ابعاد گسترده‌ای برپا شده است، با نشان‌دادن اثری از مارسل دوشان از سال ۱۹۱۴ تا مجسمه‌های میرو در اواخر دهه ۶۰ تنگلی جدید به جنبش آوانگارد در قرن بیستم دارد.
عکس: AFP

هنر

گزارش خبرنگار اعزامی «شرق» از حراج آثار ایران، عرب و ترک در «کریستیز» دویی

رقابت شانه‌به‌شانه «تناولی» و «فخر النسا»

پرویز براتی



«تنگین» موفق جشن لندن به تابلو «فخرالنسا» عکس: شرق

بوده است. این موسسه طی این چند سال در کنار عرضه آثار هنری، در چندین نوبت مبادرت به برپایی حراج‌هایی برای فروش مجموعه ساعت و جواهرات هم کرده؛ با این‌حال آنچه برایش اعتبار آورده، برپایی حراج‌های هنری است که به امروز هنر ایران با فروش ۲۸میلیون‌دلاری مجسمه «پرسپولیس» تناولی رکورددار آن است. در سه، چهار دوره اخیر، کریستیز آثار هنرمندان سبک‌ها و دوره‌های مختلف را در قالب بخش اول و بخش دوم در دو شب جداگانه عرضه کرده. حراج پانزدهم هم با چنین تقسیه‌بندی برپا شد. در شب اول که به آث بالای ۵۰هزاردلار اختصاص دارد، ۳۰نقاشی، نقاشیخط ومجسمه‌آرایه‌شد که آثاری از هنرمندان ایرانی شامل پرویز تناولی، سیدمحمد احصایی، فرهاد مشیری (هر یک دو اثر)، رضا درخشانی و کلمی یوسف‌زاده چکش حراج خورد. در کنار فروش یکمیلیون‌دلاری اثر تناولی، دو نقاشیخط بدون عنوان احصایی روی میز حراج رفت که اثر عمودی ۲۰۰ تا ۴۰۰هزاردلار و اثر افقی ۱۵۰ تا ۲۰۰هزاردلار برآورد قیمت شده بود. اثر اول ۳۴۰هزاردلار و اثر دیگر ۱۵۰هزاردلار فروخته شد. همچنین نقاشی کلمی یوسف‌زاده یکصدهزاردلار فروخته شد. ضمن اینکه در این حراج دو اثر فرهاد مشیری و نقاشی رضا درخشانی به فروش نرسید. در این میان شاخص‌ترین اثر ایران، مجسمه «پرسپولیس ۲» پرویز تناولی بود. «پرسپولیس ۲» نامی آشنا برای حافظه تجسمی خاورمیانه است. این اثر که از جنس برنز است، بازدیدکنندگان را به سفر به ایران باستان فرا می‌خواند. مجسمه، با نشانه‌ها

و نمادهایی مشخص پوشیده شده که یادآور دوره امپراتوری هخامنشی است. این مجسمه یادمانی را هم که بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۸ ساخته شده و یادآور گذشته باشکوه ایران و بیانگر خشم هنرمند است، به خاطر می‌آورد. هنرمند خواسته به نوعی، ضرورت حفاظت از این اثر میراثی را یادآوری کند. در کنار آثار هنرمندان ایرانی، ۲۱ اثر هم از هنرمندان ترکیه، مصر، سوریه، لبنان، عراق، عربستان و مراکش به حراج گذاشته شد که در بین آنها چهره‌های شاخصی نظیر بل گرگوسیوان لبنانی و عبدالناصر غلام هنرمند سعودی حضور پررنگی داشتند.

معاون هنری در شب درخشش پرسپولیس

حراج شامگاه ۲۹ اکتبر که به اتمام رسید، دوربین‌ها به سمت علی مرادخانی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرتضی کاظمی مشاور اقتصاد فرهنگ و هنر وزیر ارشاد نشانه رفت. بی‌تردید اتفاق مهم این حراج، همراهی دولت ایران با هنرمندان، مجموعه‌داران و صاحبان گالری بود. دولت حسن روحانی طی ماه‌های گذشته رویکردی مشخص را در تعامل با بخش خصوصی در پیش گرفته. طی هشت سال گذشته، مدیران پیشین وزارت ارشاد، غایبان اصلی رویدادهای هنری و نمایشگاه‌های مهم داخل و خارج از کشور بودند. آنها با دوری‌جستن از اهالی فرهنگ و هنر عملا فضایی سرد را بر هنر ایران حاکم کردند. مرتضی کاظمی در همین زمینه به «شرق» گفت: «دولت می‌تواند در قالب برنامه‌های مشخص از هنرمندان حمایت کند. این اتفاق در هشت سال گذشته رخ نداد. البته باید از دولت قبلی تشکر کرد که اگر در برنامه‌ها و حراج‌های هنری چون کریستیز حضور نیافت لاقل مانع فعالیت آنها هم نشد. با همه اینها دولت کنونی برنامه‌هایی همه‌جانبه برای توسعه، نهاده‌بند کردن و ساماندهی اقتصاد فرهنگ و هنر دارد. حمایت از بخش خصوصی محور اصلی این برنامه خواهد بود. ما اکنون در حال مطالعه و تهیه مقدمات راهبردی، زیرساختی و مشورت با نخبگان این امر هستیم تا رویکردهایی تازه و کارآمد تقدیم جامعه هنری کنیم» او که در کنار دراختی مقابل مجسمه «پرسپولیس ۲» ایستاده بود، تأکید کرد: «موزه هنرهای معاصر بعد از انقلاب چیزی به آرشيو آثار خارجی خود اضافه نکرده. از این‌و فکر می‌کنم شرایط امروز فرصت مناسبی است تا موزه با خرید آثار خارجی این آرشيو را غنی‌تر کند. دولت می‌تواند در همین حراج‌ها ضمن حمایت از هنرمندان ایرانی خریدار آثار هنرمندان خارجی هم باشد» حراج شب اول کریستیز با تصویر حضور مدیران دولتی در کنار هنرمندان مقابل مجسمه تناولی پایان یافت. حراج شب دوم هم اواخر شب گذشته به پایان رسید که گزارش مبسوط آن را روز شنبه، می‌خوانید.

چهره روز

علی جنتی، وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی:

در کنسرت تک‌خوانی خانم‌ها شرکت نکردم

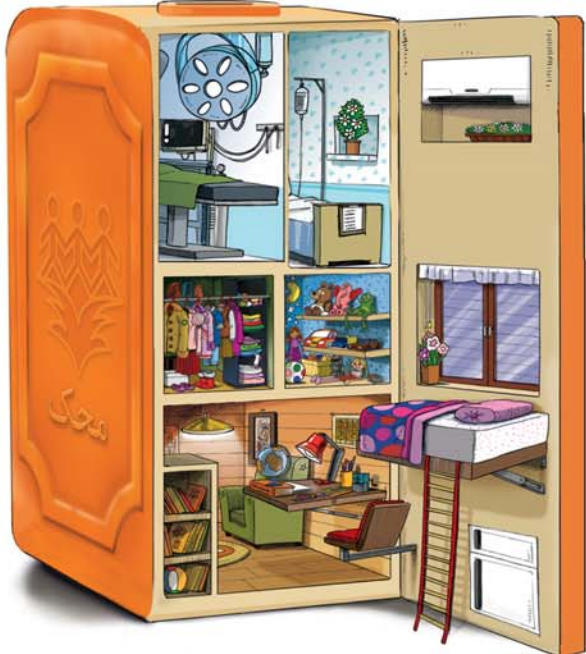


● **شرق:** روز چهارشنبه خبری دست‌به‌دست در شبکه‌های اجتماعی و لایه‌لای ایمیل‌ها منتشر شد که حاکی از حضور وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی در کنسرتی با تک‌خوانی یک خواننده خانم بود. خبری که البته چندساعت بعد توسط علی جنتی تکذیب شد. وزیر ارشاد در جمع خبرنگاران این خبر را تکذیب کرد و گفت: «خبر، چنین چیزی نیست. من در چنین کنسرتی نبوده‌ام.»

بر اساس خبری که دست‌به‌دست می‌چرخید، وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی در کنسرت موسیقی گروه ماه در خانه فرهنگ ایران شرکت کرده و تابلوی ۳۵ساله را خیزنگاران با تأکید بر مواضع قبلی خود به یک مساله فقهی اشاره کرد: «من در این مورد قبلا هم گفتم که در مورد تک‌خوانی خانم‌ها اتفاق‌نظر و اجماعی در بین آقایان مراجع وجود ندارد. برخی از مراجع اعتقادشان این است که بحث درباره تک‌خوانی و جمع‌خوانی خانم‌ها نیست، بحث این است که صدای آنها لپه‌وی نباشد. برخی مراجع نظرشان این است که اگر مفسده‌انگیز نباشد مشکلی وجود ندارد.»

موسیقی تنها موضوعی نبود که وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی در جمع خبرنگاران از آن صحبت کرد. او همچنین درباره سرنوشت پروژه جنجالی «لاله» هم گفت: «تاکنون شش‌میلیاردتومان خرج این پروژه شده و اگر بخواهد تکمیل شود ۱۰میلیاردتومان خرج خواهد داشت. اصلا این امکان برای دولت وجود ندارد که چنین مقداری خرج این پروژه کند. علاوه بر اینکه از نظر محتوا و مسایل حاشیه‌ای، وزارت‌ارشاد با این پروژه مساله دارد.»

جنتی در مورد وضعیت موسسه سینمایی مقاومت و انقلاب‌اسلامی نیز گفت: این موسسه منحل نشده اما اساسنامه‌اش اشکال دارد. وزارت ارشاد نمی‌تواند این موسسه را منحل کند چراکه زیرنظر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی است.



قلک کوچک شما، حامی بزرگ کودکان محک

فقط با تکیه به کمک های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه از ۱۹۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان و خانواده های آن ها شده ایم. در سال گذشته با کمک های انسان دوستانه شما، مانند قلک های کوچکتان، هزینه درمان بالغ بر ۹۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان از سراسر ایران مانند جراحی، شیمی درمانی، رادیوتراپی، دارو، اقامت بیمارستان و هزینه های حمایتی شامل مشاوره روانشناسی بر ای کودک و خانواده، تحصیل، پوشاک و امور رفاهی را تامین کرده ایم.

قلک های شما از کودکان محک حمایت همه جانبه می کند.

اگر مایلید یکی از قلک های محک را مهمان خانه یا محل کار خود کنید

با شماره ۰۲۱-۲۳۵۴۰ تماس بگیرید.

